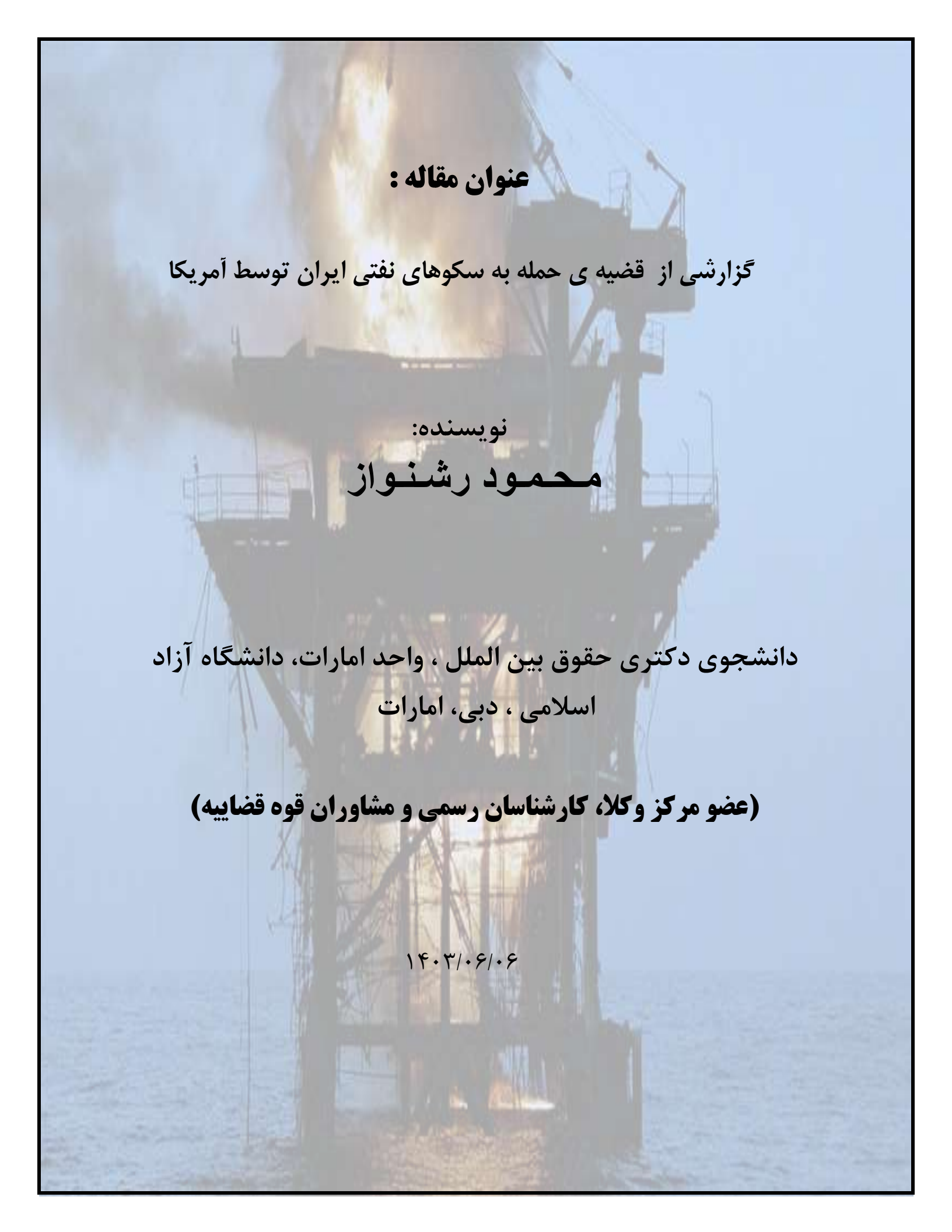




عنوان مقاله :

گزارشی از قضیه ی حمله به سکوهای نفتی ایران توسط آمریکا

نویسنده:

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد
اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه)

۱۴۰۳/۰۶/۰۶

گزارشی از قضیه ی حمله به سکوهای نفتی ایران توسط آمریکا

مقدمه

تصویب قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد ذیل فصل هفت منشور ملل متحد (اصول ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد) صادر شد یعنی موجب تحریم اقتصادی یا حمله نظامی قدرت‌های جهانی علیه کشور متخلف می‌شد. اعمال این قطعنامه و قبول آن به ایران، همراه با فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا و حملات نظامی متعددی علیه ایران بود و حمله به سکوهای نفتی ایران از جمله‌ی این اقدامات محسوب می‌شد. توجیه آمریکا برای این حمله اعمال ماده ی ۵۱ منشور ملل متحد بود و این عامل موجهه‌ای بود که آمریکا بعد از حمله جهت توجیه اعمال خود به آن متوسل شد. در عدم مشروعیت این حمله از جهت مقررات بین‌المللی نمی‌توان تردید کرد چرا که حمله‌ی نظامی به مراکز دولتی غیرنظامی با این بهانه به هیچ عنوان موجه محسوب نمی‌گردد.

تشریح واقعه ی حمله به سکوهای نفتی

قضیه سکوهای نفتی ایران با حملات آمریکا به تأسیسات نفتی ایران در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ شروع شد. حمله آمریکا به تأسیسات نفتی رشادت و رسالت به بهانه اصابت موشک‌های کرم ابریشم ایران به تانکر آمریکا به نام sea Isle city کمتر از یک ساعت در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ مصادف با مهر ماه ۱۳۶۶ توسط ۴ ناو شکن آمریکا و حمایت جنگنده های اف ۱۴ صورت گرفت که منجر به قطع کامل استخراج نفت از سکوهای مزبور شد و دومین حمله نیز در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ مصادف با فروردین ۱۳۶۷ به تأسیسات نفتی نصر و سلمان توسط سه فروند کشتی آمریکا به بهانه استفاده ایران از این سکوها برای مین گذاری در مسیر کشتیرانی بین المللی در منطقه خلیج فارس و برخورد مین‌های مزبور به کشتی آمریکایی USS Samuel B. Roberts صورت پذیرفت که در نتیجه آن چند تن از خدمه کشته و مجروح شدند. ضمن اینکه در اثر حملات مذکور سکوها به طور کامل منهدم و در نتیجه خسارات اقتصادی فراوانی به ایران وارد شد.

وقوع این حادثه منجر به طرح دعوی ایران به طرفیت آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری شد. این دعوی مستند به ماده ۱ و بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت مطرح شد که مبتنی بر اعلام نقض معاهده مودت سال ۱۹۵۵، الزام آمریکا به جبران خسارات وارده به ایران به استناد معاهده مودت ۱۹۵۵ و قواعد عام حقوق بین الملل از جانب دیوان و نیز درخواست ایران مبنی بر اعلام نامشروع بودن این اقدامات بود چرا که امریکا مدعی بود اقدام این کشور مستند به دفاع مشروع تلقی می‌گردد.

مسئله در ابتدا بحث صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری بود که ایران با استناد به بند ۲ ماده ۲۱ معاهده ۱۹۵۵ دیوان را صالح می‌دانست و اعتراض آمریکا در رد صلاحیت دیوان در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ م، و براساس بند ۲ ماده ۲۱ معاهده مودت ۱۹۵۵ مردود اعلام شد. آمریکا نیز در این قضیه اقدام به طرح دعوی متقابل نمود و مدعی شد ایران تعهدات مندرج در ماده ۱۰ معاهده مودت به جهت حملات متعدد ایران به کشتیهای بی طرف و مین گذاریهای وسیع و به خطر انداختن آزادی کشتیرانی و تجاری در منطقه خلیج فارس نقض شده است و در نهایت درخواست غرامت نمود. در مقابل، ایران نیز طی نامه‌ای به دیوان در مورخه ۲ اکتبر سال ۱۹۹۷، اظهار کرد، دعوی متقابل ارائه شده آمریکا شرایط بند ۱ ماده ۸۰ آیین نامه داخلی دیوان را رعایت نکرده است. دیوان این ایراد ایران را رد کرد و طی قرار مورخ ۱۰ ماه مارس سال ۱۹۹۸ خود اعلام کرد که دعوی متقابل اقامه شده از جانب آمریکا قابل رسیدگی است و بخشی از جریان‌های رسیدگی موضوع حاضر را تشکیل می‌دهد.

ادعای آمریکا در حمله به سکوهای نفتی

لازم است موارد ادعایی آمریکا در این حملات بررسی گردد؛ آمریکا با استناد به دو عنوان، حملات خویش را توجیه کرده است:

- استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد و حق دفاع مشروع: نماینده ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد، حملات ۱۹ ماه اکتبر سال ۱۹۸۷ دولت متبوع خود را به سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس این چنین توجیه کرد:

«مطابق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، به نیابت از دولت خودم اعلام می‌کنم که نیروهای ایالات متحده (در این حمله) با اتخاذ اقدامات دفاعی در پاسخ به حملات جمهوری اسلامی ایران به کشتی‌های ایالات متحده در خلیج فارس، حق ذاتی دفاع مشروع خود بر اساس حقوق بین‌الملل را اعمال کرده است...».

- استناد به قسمت د بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه مودت ۱۹۵۵: ایالات متحده حملات ماه اکتبر سال ۱۹۸۷ خود به سکوهای نفتی ایران را با توسل به قسمت د بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه مودت ۱۹۵۵ نیز توجیه کرد. نماینده آن دولت استدلال کرد: اقدامات ایران طی این دوره، تهدیدی علیه منافع امنیتی اساسی آمریکا محسوب می‌شده است. در نتیجه حملات مکرر ایران به کشتی‌های بی طرف، جریان بازرگانی دریایی در خلیج فارس به خطر افتاده و جان اتباع آمریکا با خطر روبه‌رو شده بود؛ به طوری که نیروی دریایی آمریکا در ایفای وظایف امنیتی خود با مانع روبه‌رو شده و دولت و اتباع آمریکا خسارات مالی شدیدی را متحمل شدند؛ بنابراین؛ در این

وضعیت، اقدام مسلحانه در مقام دفاع مشروع، تنها راه ممکن برای پیش‌گیری از تکرار حملات ایرانیان بود. نماینده‌ی آمریکا مدعی شد مجروحیت ملوان‌های آمریکائی و خسارات وارده به کشتی ساموئل بی‌راپرتز به جهت مین‌هایی بوده است که توسط ایران در مسیر کشتی‌ها کار گذاشته شده است. با این حال همانطور که ایران در پاسخ اعلام داشت، آمریکا به غیر از این گمانه‌زنی‌ها دلیلی قطعی و مستقل برای ادعاهای خود ارائه نداده است.

رای دیوان

۶ نوامبر ۲۰۰۳ رای نهایی دیوان اعلام شد و به طور خلاصه تمام ادعاهای ایران و آمریکا و خواسته‌های متقابل آن‌ها در قبال یکدیگر رد شد؛ رای دیوان در رد این دعاوی با دلایل زیر مستدل شده بود:

الف- به جهت آنکه هیچ نفتی از سکوهای نفتی رشادت و رسالت در زمان حمله‌ی آمریکا صادر نمی شد در نتیجه تجارتي نیز صورت نمی‌گرفت و در خواست غرامت بی مبنا بوده است. این استدلال در خصوص سکوهای نفتی سلمان و نصر به این شکل اعلام شده است که ایران به جهت تحریم نفتی در این زمان، تجارتي نداشته است. کاملاً گویاست که دیوان نتیجه‌ای را تحصیل نموده و به دنبال توجیه آن بوده است چرا که استدلال‌های متفاوتی در دو موضوع یکسان ارائه داده است.

ب- دیوان ادعای دولت آمریکا را نیز به جهت عدم وجود دلایل متقن مبنی بر حمله‌ی مسلحانه ایران به آمریکا رد کرد. دیوان در این مورد، اظهار کرد: «... دیوان بر این نظر است که مینه‌ها در زمان جنگ ایران - عراق، از سوی هر دو کشور متخاصم کاشته شده است؛ بنابراین، دلیل عملیات مین‌ریزی از سوی ایران در مورد مسئولیت ایران برای این مین‌ریزی خاص نمی‌باشد...»

ج- ادعای آمریکا در استناد به دفاع مشروع و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد نیز بدان جهت که آمریکا نتوانسته مسلحانه بودن حملات علیه کشتیهای خود را اثبات کند رد شد. دفاع مشروع دولت‌ها باید متضمن دو شرط ضرورت و تناسب باشد، در مورد شرط ضرورت، دیوان پس از بررسی وقایع امر و ادعاها و ادله دو طرف، در نهایت، اعلام کرد: قانع نشده است که حملات (امریکا) به سکوها در پاسخ به این وقایع ضروری بوده است. در مورد، شرط تناسب نیز دیوان اظهار کرد که حمله ۱۹ ماه اکتبر سال ۱۹۸۷، آمریکا به سکوها می‌توانست مناسب تلقی شود، با وجود این، در مورد حمله ۱۸ ماه آوریل سال

۱۹۸۸، باید گفت که این حمله به منزله بخشی از عملیات گسترده با نام عملیات پراینگ مانیتیس بوده است که در مقام پاسخ به برخورد مین با یک کشتی جنگی امریکا، که به شدت خسارت دید، اما غرق نشد و تلفات جانی در پی نداشت، صورت گرفت. نه عملیات مزبور به طور کلی، نه آن بخش از عملیات که سکوهای سلمان و نصر را منهدم کردند، نمی‌توانست در اوضاع و احوال این قضیه، به منزله استفاده متناسب از زور در مقام دفاع مشروع تلقی شود. همچنین دیوان استدلال کرد اقدامات امریکا علیه تاسیسات و سکوهای نفتی ایران در ۱۹ ماه اکتبر سال ۱۹۸۷ و ۱۸ ماه آوریل سال ۱۹۸۸، نمی‌توانست بر اساس مقررات بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه ۱۹۵۵ مودت، توجیه شود؛ زیرا، آن اقدامات متضمن توسل به زوری بودند که شرایط دفاع مشروع را نداشتند؛ بنابراین، در زمره اقداماتی قرار نمی‌گرفتند که مقررات (بند ۱ ماده ۲۰ آن معاهده) آن را پیش‌بینی کرده بود.

تحلیل رای دیوان

مطالعه‌ی رای دیوان گویای این مسئله است که استدلال‌های ارائه شده در آن عمدتاً به سود ایران می‌باشد. (۳۶ استدلال به نفع ایران و ۱۲ استدلال به نفع آمریکا) و این موضوع نشان از وجود اوضاع و احوالی است که به در قضیه می‌توانست منجر به صدور رای به نفع ایران باشد ولی این مسئله به دلایل غیر حقوقی محقق نشد. همچنین در رای دیوان، به این موضوع اشاره شده است که عراق به عنوان آغازگر جنگ علیه ایران قلمداد شده است. این رای با دربر گرفتن مباحث مفصلی در زمینه توسل به زور و تهاجم نیروهای آمریکایی به ایران و اشاره به ابعاد مختلف حقوقی این مساله می‌تواند به منزله یک سند غنی و پرمحتوای حقوق بین‌الملل مورد بررسی و موشکافی علمی و تخصصی قرار گیرد.

از نکات مهم رای مذکور می‌توان به این مسئله اشاره کرد که استناد آمریکا به دفاع مشروع بی پایه است و اقدام آمریکا به هیچ وجه در راستای حفظ منافع ملی آمریکا نبوده، بلکه توسل به زور است و به نوعی تلافی جویی بود نه دفاع مشروع. با این حال جای شگفتی است که دیوان علی‌رغم اینکه حمله آمریکا را به سکوهای نفتی ایران دفاع مشروع نمی‌داند ولی این کشور را هم وادار به جبران خسارت نمی‌کند که این نظر رای کاملاً نیست. دیوان می‌توانست مبنای صلاحیتی وسیع‌تری برای خود تعریف کند و به جای اینکه تنها حقوق بین‌الملل نهادینه را در نظر بگیرد می‌توانست حقوق بین‌الملل عرفی را مبنای کار خود قرار دهد. دیوان آزادی تجارت را به صورت بسیار محدود و آن هم به تجارت بین دو دولت و آن هم تنها در قلمرو دو دولت تعریف کرد و از طرف دیگر تنها تجارت مستقیم را ملاک قرار داد.

نتیجه‌گیری و ارائه‌ی راهکارهای حقوقی برای پیگیری موضوع توسط ایران

فیصله ندادن به اختلاف و پایان ندادن به موضوع از جمله مواردی است که به استناد آن ایران می‌تواند طرح دعوی برای جبران خسارت نماید. ملزم به رعایت تناسب عملکرد و وظایف حقوقی و قضائی اش می‌باشد بدان معنی که تناسب باید منتهی به نتیجه و ثمربخش باشد، یکی از اصولی است که دیوان در صدور آرای، خودش همیشه به آن توجه کرده است. دیوان ملزم است از صدور آرای غیر موثر خودداری کند و در وریه‌ی خویش نیز این مسئله را رعایت کرده است. با این حال اصل مذکور در این رای کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین دیوان باید پس از اینکه، صلاحیت خود را برای رسیدگی به این موضوع محرز دانسته و نیز وارد بحث مشروعیت و یا عدم مشروعیت حمله آمریکا به سکوهای نفتی شده است و این حملات را خلاف حقوق بین الملل و نامشروع ارزیابی کرده است، بایستی کار را تکمیل می‌کرد و بحث خسارات را نیز فیصله می‌داد. در واقع کار دیوان در این مرحله ناتمام است و اختلاف مطرح شده نزد دیوان علی‌رغم اینکه دیوان خود را صالح به رسیدگی دانسته است، هنوز رفع نشده و پابرجا است.

ایران می‌تواند مدعی خسارات وارده بر سکوهای نفتی باشد و استناد به آزادی تجارت و معاهده‌ی مودت، محدودی رسیدگی دیوان را محدود نکند؛ دیوان اینگونه نتیجه‌گیری کرده است که آزادی تجارت بین دو کشور نقض نشده است و به نظر می‌رسد که مسئله‌ی خسارت وارده به تاسیسات نفتی در ذیل این دادخواست ادعای ایران مغفول مانده است و این در حالی است که حمله‌ی آمریکا به سکوهای نفتی مسلم بوده ولی حمله‌ی ایران به کشتی آمریکایی محرز نشده است. همچنین لازم است ایران مشروعیت فرمان تحریم ریگان و مغایرت آن با ماده ۱۰ عهدنامه‌ی مودت را خواستار شود که متأسفانه در خواسته نهایی ایران این موضوع لحاظ نشده بود. دیوان نیز مسئله‌ی غرامت را وابسته به احراز نقض بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه دانسته است. این در حالی است که خسارت وارده باید جبران شود و صرف عدم توجیه‌پذیری با استناد به یک مقرر، لزوم جبران آن را منتفی نمی‌سازد. و از این منظر دولت آمریکا نمی‌تواند به اعتبار امر مختوم استناد نماید چرا که مسئله‌ی تعیین غرامت مبنای جدیدی دارد و آن، رای خود دیوان در عدم قبول ادعاهای آمریکا است.

دولت ایران در این خصوص لازم است مجدداً خواستار پرداخت غرامت بابت تخریب سکوهای نفتی از دولت آمریکا شود. این مسئله واجد این فایده نیز هست که ادعاهای دولت آمریکا در خصوص مطالبه‌ی خسارات به جهت سایر دعاوی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

ایالات متحده همواره در جریان رسیدگی به پرونده با استناد به حق ذاتی دفاع از خود طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد و اقدام ضروری برای حفاظت از منافع اساسی امنیتی این عملیات را توجیه می‌نمود. دولت ایران به جهت محدودیت‌های صلاحیتی خویش امکات توسل به حقوق حاکم بر توسل به زور (jus ad bellum) در حقوق بین‌الملل عام بویژه منشور ملل متحد، را نداشت. با این حال دادخواست ایران باید صراحتاً این موارد را از

دیوان مطالبه کند: ۱- اعلام اقدامات آمریکا به عنوان «نقض آزادی تجارت بین سرزمین های طرفین» ۲- اعلام عدم ضرورت حمله ی آمریکا به سکوهاى نفتى برای «حفاظت از منافع اساسى امنیتی» این کشور

مسئولیت بین المللی دولت آمریکا از دو جهت بابد از دیوان مطالبه گردد هم از جهت نقض عهدنامه هم از منظر نقض قواعد آمره و توسل به زور. بنابراین می توان از رای دیوان به این نتیجه رسید که دولت آمریکا به دلیل نقض قاعده ی آمره ی منع توسل به زور (بند ۴ ماده منشور ملل متحد) دارای مسئولیت بین المللی است. به عبارت دیگر با در نظر گرفتن ارکان مسئولیت بین المللی، قوائد انتساب رفتار دولت، نظام اثباتی عناصر عمل متخلفانه بین المللی می توان به طور ضمنی نتیجه گیری کرد که مسئولیت بین المللی برای دولت آمریکا قابل اثبات است. از جهت دیگر حمله به سکوها تجاوز به حاکمیت ملی ایران محسوب می گردد که ناقض اصول قواعد حقوق بین المللی می باشد، که زمینه ساز مسئولیت این دولت است و اقدامات این کشور در منطقه انحصار اقتصادی ایران نقض آشکار کنوانسیون حقوق دریاها می باشد. با این اوصاف می توان شکایت مجددی علیه آمریکا در دیوان مطرح نمود و ضمن اثبات مسئولیت بین المللی برای آمریکا، درخواست غرامت نمود و یکی از مستندات این دادخواست نیز رای سال ۲۰۰۳ دیوان خواهد بود.

Title:

A report on the attack on Iran's oil platforms by
America

the writer:

Mahmoud Reshnawaz

Doctoral student of International Law, Emirates Branch,
Islamic Azad University, Dubai, UAE

member of the center of lawyers, official experts and
consultants of the judiciary

2024/08/27